

# سیر تحقیق قانون و قانونیت طی سده اخیر

مؤلف:

عبدلویس عفار

سال ۲۰۲۰

## بخش نهم

### سیرتحقق قانون در دوران مجاهدین

#### ( حکومت صبغت الله مجددی وبرهان الدین ربانی )

ثور (۱۳۷۱) الی میزان (۱۳۵۷) هجری شمسی

اپریل (۱۹۹۲) الی سپتامبر (۱۹۹۶) میلادی

دربخش قبلی از رعایت و تحقق قانون بین جدی ۱۳۵۸ الی ثور ۱۳۷۱ معلومات لازم با تذکر اینکه دولتمردان اراده تطبیق قانون را جهت ایجاد نظم در جامعه رامبتنی برحاکمیت قانون میدانستند، تا حدودی موفق بودند. فساد اداری کمتر بملاحظه میرسید، چنانچه کادر های حزبی ودولتی آن دوره مالک کدام سرمایه وجایداد نگردیدند.

اما یکتعداد کادرها، با نظر داشت اینکه زاده همان جامعه بودند، نتوانستند تا آن امراض تذریق شده جامعه افغانی را ( اختلافات قومی، زبانی، منطقوی، سیاسی، غرور بیجا با اتکا بر قدرت حزبی ودولتی وسایر.. ) از خود دور نمایند. وضع ناهنجار کشور که متأثر از مداخلات کشورهای خارجی واستخبارات شان بود، نیز بر آنان اثر گذاشته، با ایجاد حلقات وفراکسیونها در داخل حزب حاکم، سبب چند پارچه گی در ادارات دولتی، ایجاد روحیه عدم همکاری لازم وبدبینی در ارگانهای دولتی را بوجود آورد. آنان با فراموش نمودن اهداف اصلی مکتب شان، جهت تحقق اهداف وامیال زاده افکار و گروهی تازه ایجاد نموده شان، جفای بزرگ بر مردم و وطن نمودند. آن دولت قوی که بعد از خروج قوای شوروی در مقابل حملات مختلف (مجاهدین نماها با همکاری مستقیم ملیشیای پاکستان تحت قوماندان استخبارات پاکستان)، از مردم و وطن خویش دفاع مستقلانه نمودند. طور مثال ( دفع کودتای وزیر دفاع آنوقت به همکاری گروه شفا، شاخه از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در داخل جناح خلق، حمله بر شهر و فرقه جلال آباد، شهرها و ولایات مختلف کشور). تا اینکه یکتعداد رهبران حزبی ودولتی اختلافات زبانی را اساس قرار داده، با تنظیمهای هفتگانه وهشتگانه از قبل تماس گرفته بودند، پیوستند واقعاً جای تاسف است که یکتعداد کادرهای هر دو جناح حزب دموکراتیک خلق که سالها علیه این امراض مبارزه نمودند، اما عقده ها وافکار تفوق طلبانه شخصی آنان، سبب گردید تا با مخالفین قبلی خویش دست به هم دادند و علیه منافع وطن قرار گرفته وزمیننه های سقوط دولت را فراهم نمودند. لذا آنان بودند که زمیننه ورود تنظیمها را بوطن مساعد نموده، شهر به شهر و قطعات نظامی را بالترتیب تسلیم نموده، زمیننه تاراج وتجاوز به مال و ناموس مردم و دارائیهای عامه را مساعد کردند. در غیر آن تنظیمها حتی خواب کسب قدرت دولتی رانمی دیدند. با نقل قول سخنان کادرهای سطح رهبری کشور که در دامن زدن اختلافات زبانی وسمتی در وطن عزیزمان نقش داشتند. هدفم از یادآوری گفته اشخاص مذکور دامن

زدن به اختلافات درکشور نیست، بلکه عبرت گرفتن از چنین افکار و اندیشه های نفاق برانگیز می باشد که گفتند:

(ما حکومت صدها ساله پشتونها را سقوط دادیم.)

(نمیخواهیم که تاجکها و... قدرت را تصاحب کنند...)

سوال؟ ای هموطنان گرامی! وطن را به کی تسلیم نمودید؟

به چپاولگرانی که دارائیهای عامه و خصوصی را به یغما بردند؟ قاتلانیکه طی یکشنبه روز بیش از پنجاه راکت بالای شهر کابل فیر نموده و دهها هزار هموطنما شهید و زخمی نمودند. به استخبارات پاکستان تسلیم نمودید و یا زمینه صدها جنایت دیگر که ذیلاً تحریر می دارم، فراهم نمودید و...؟ لذا به نظرم شما مسؤل همه حوادث و کشتار و ویرانی درکشور شما نفاق افکنان بودید.

بحث یانگهی بر تطبیق قانون و قانونیت در این مقطع تاریخ کشورما قابل دقت بیشتر میباشد بر اساس چشم دید اکثر هموطنانما، فلمهای مستند، روزنامه ها، جراید، راپورهای موسسه ملل متحد، آثار نویسندگان داخلی و خارجی و سایر اسناد... که بیایانگر حقایق انکارناپذیر از آنارشی، خودکامه گی، تجاوزات برمال و ناموس مردم، قانونشکنی و عدم حاکمیت قانون درکشورما بود، ثابت میسازد که آن رژیم یا نظام مبنای حقوقی و قانونی نداشت. چرا که رژیم مذکور خلاف اراده مردم بر اثر سیاستهای فریبکارانه عمال داخلی و خارجی و کنار آمدن نیروهای غیرمتجانس بالوسيله لشکرکشی و هجوم، قتل و کشتار، تاراج دارائیهای عامه و خصوصی تحت نام جهاد و بدست آوردن قدرت و غنیمت بشکل ساحوی و ملوک الطوائفی در مناطق مختلف و وطنما عرض وجود نمود. چنانچه محترم فقیر محمد ودان در صفحه ۱۲۷ اثر خویش تحت نام دشنه های سرخ در زمینه چنین تحریر داشت: (این همه جنایات برای رئیس جمهور مجاهدین آقای حضرت صبغت الله مجددی نیز غیر قابل کتمان بود. چنانچه موصوف در یکی از بیانیه های خود از طریق تلویزیون کابل در حالیکه از مردم نسبت اینکه دارائی و هستی خود را از دست داده اند و این همه اعمال جنایتکارانه بر علیه آنان صورت گرفت، معذرت می خواهد و گفت: «... چه کارهای که نشد. والله اگر روس این کارها را کرده باشد. والله اگر کمونیستها این کارها را کرده باشند یا هیچکس دیگر. والله ما خجالت می کشیم که نام مجاهد را بگیریم. عزتی را که خدا برای مجاهد داده بود به زمین زده شد.»)

وقتیکه رئیس دولت خود از عدم رعایت قانون شکایت مینماید در زمینه تردید وجود ندارد. قوماندانان با تجربه در جنگها بعد از قتل و کشتار هزاران هموطنان ما درکشور، تنها بیشتر از پنجاه هزاره نفر در شهر کابل، توانستند که کابل را تصرف و اعلان خلافت نمایند. طی زمان جنگها و مراحل بعدی رژیم مجاهدین مرتکب قتلهای مختلف الشکل و جنایات بی شماری از قبیل میخکوبی درکله انسان تا تجاوزات جنسی به زنان و اطفال، چور و چپاول دارائیهای عامه و خصوصی، تخریب ساختمانهای عام المنفعه و هزاران اعمال خلاف کرامت انسانی و فراموش ناشدنی دیگر، که درج تاریخ کشورما شد، گردیدند. میتوان به اساس اسناد معتبر ملی، بین المللی و دلایل ذیل رژیم مذکور را یکی از دوره های سیا و ننگین، تاریک و نقطه اوج بی ثباتی درکشور نامید. شواهد و اسناد موجود خود توضیح میدارد اشخاصیکه خود را در لحاف جهاد پوشانیده بودند در طول مدت زمان حکومت شان اولاً نتوانستند تا اساسات یک رژیم را که مبنای حقوقی یعنی متشکل از قوای ثلاثه دولت باشد، بوجود بیاورند اکثرآ اتکا به شورای حل و عقد که اساس آن توسط استخبارات پاکستان در داخل پاکستان گذاشته شد، مینمودند و بعداً با ایجاد شوراهای مختلف طبق خواست رهبر تنظیمیکه بر سر قدرت بود و قوماندانانیکه با نیروی نظامی پایتخت را در اختیار داشتند، در جهت منافع تنظیمی و قومی خویش بعوض منافع اکثریت کشور عمل نموده و در عمل مصدر کدام خدمت در ساحات مختلفه زندگی مردم نگردیدند. باتذکر اینکه یکی از وظایف دولتها ایجاد نظم، حفظ، حمایت و رعایت حقوق و آزادیهای

اتباع میباید، باید در جهت بهتر شدن زنده گی و رفاه مردم با وضع قوانین و تطبیق آن اقدام نماید. اما افسوس که گرداننده گان رژیم بصورت عموم خود نقش اساسی در تحقق جنایات داشتند. اجرات دولتی در همه بخشهای به رکود مواجه شد، چون نظام فاسد شده، دولت اعتبار خویش را در سطح ملی و بین المللی اردست داده بود، در داخل افغانستان بعوض پول افغانی، کلدان پاکستان مروج و در چلند بود، پول افغانی در مقابل سایر اسعار ارزش خود را از دست داده بود، در داخل افغانستان دونوع پول افغانی، بنامهای پول دوستی در مناطق شمال کشور و پول افغانی برهان الدینی در دیگر نقاط وطن مروج شده بود. این نمونه دیگر از عدم حاکمیت قانون و نبود دولت میباید. مثال دیگر به اساس آمار جریده رسمی ارگان نشراتی وزارت عدلیه آنوقت در طول بیشتر از چهار سال و ششماه رژیم مجاهدین، هفت قانون راتحت عناوین قوانین (مطبوعات. معادن. پول و بانکداری. منع احتکار. سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی. کنترل و تفتیش. رهنمائی معاملات) که توسط فرمان رئیس دولت توشیح شده و مراجع تصویب کننده آن معلوم نمیباشد، وضع شد. چون مجاهدین اکثرأ بزبان تفنگ و خشونت بلدیت داشتند، به نظام و حاکمیت قانون کمتر وحتا اعتقاد نداشتند بهمین دلیل قوانین قبلی و احکام شریعت اسلامی صرف بروی کاغذ باقیماند. گرچه در این بخش تا حدودی از بحث حقوقی خارج میگردیم اما وضع ناهنجار وطن، مجبور میسازد تا ساحه بررسی خویش را وسعت بخشیده و در روشنائی حوادث و قضایای بوقوع پیوسته که ناشی از مداخلات خارجی بخصوص پیامدهای جنگ سرد در منطقه و جهان و مداخلات مستقیم کشورهای همسایه از یک جانب و از جانب دیگر بازیهای رنگارنگ راکه تجاران دین و مذهب تحت نام دین و مذهب با ایجاد تنظیمهای جهادی بخاطر منافع شخصی شان انجام دادند و هم آله دست:

**دشمنان داخلی :** یکتعداد افراد و سازمانهاییکه معتقد به دین اسلام نبودند و نیستند، همینکه منافع شخصی، گروهی، سازمانی و... خویش را در خطر دیدند تحت نقاب دین و مذهب در تنظیم های جهادی جهت رسیدن به مقاصد خویش، افراطی تر از متعصبین مذهبی با طرح پلانها و شیوه های ضد مردمی و وطنی از طریق قتل، ترور، گروگانگیری و تخریبات، فعالیتهای تنظیمی را در پهلوی استخبارات پاکستان سریعتر و وسیعتر ساختند. در سایه یا حمایت آنان هم فعالیتهای سازمانی خویش را انجام دادند و فعلاً بشکل دیگر فعال میباشند. یکعده شان با تحریر مطالب غیر مستند و دور از واقعیت مانند گذشته نقاب مردم دوستی و وطن پرستی را با همان شکل سابق برخ کشیده جلوه نمائی مینمایند. طور مثال از مطالبیکه آقائی بریالی در بابائی تحریر نموده، بر علاویکه جناب شان ولینعمتان خود راتوهین و افشا نموده مطالب دور از واقعیت، سایرین را نیز مورد تاخت و تاز قرار داده و میخوانند تاریخ کشور را بشکل دیگر قلم بزنند. مطلب متذکره را که در سال ۲۰۰۷ در سایت افغان. جرمن نشر شده بود.

**چنین اشخاص و گروه ها سرعت فعالیتهای منفی و جنایات تجاران مذهبی را در تنظیمها مانند القلی سریعتر ساختند.**

**دشمنان خارجی :** همان کشورها و سازمانهای ذیدخل در قضایای افغانستان میباید. که با طرح سیاستهای ضد اسلامی که در ظاهر خود را دایه مهربانتر از مادر جلو داده و میدهند و در باطن توسط رهبران تنظیمی از یکطرف اهداف خویش راکه منافع اقتصادی، حضور نظامی ایجاد و براه انداختن اختلافات و کشمکشها در منطقه، بوجود آوردن روحیه ضد اسلامی در جهان (اسلام ستیزی) و خلاصه تباهی و ویرانی کشور ما بود، تحقق بخشیده و میبخشند. و از جانب دیگر با ایجاد و دام زدن اختلافات و افروختن جنگها، ابتدا با ارسال سلاح به طرفین جنگ از پول مالیه اتباع خود، تجارت سلاح را مینمایند و با تخریب، ویرانی کشورها، اقتصاد آن کشورها ضعیف نموده، زمینه سرمایه گذاری و تجارت آینده خویش را در سایر بخشها فراهم میسازند. باید متذکر شد که رهبران تنظیمها و سایر همقطاران شان که

اکثراً در شرایط خراب اقتصادی بازندگی بخورونه میرحیات بسر میبردند با معامله گری و تجارت دین و مذهب به سرمایه داران بزرگ کشور وحتا در منطقه تبدیل گردیده اند.

لذا بانظرداشت تبصره فوق بهتر خواهد بود تا در پرتو معلومات مختصر از قبیل مفهوم وظایف دولت و اینکه رژیم مورد بحث ما چیطور بوجود آمد و نظری بر کادری آن، که رژیم را رهبری میکردند به بحث خود ادامه دهیم.

دانشمند مشهور (جان لاک) منشاء جامعه سیاسی را در قرارداد اجتماعی میدانند و دولت را محافظ امنیت و حقوق طبیعی اتباع دانسته تا جامعه را نظم دهد، حینیکه دولت نتواند امنیت شهروندان را تامین نماید فلسفه وجودی خویش را از دست میدهد، دولتی که امنیت فردی و حقوقی اتباع را تامین نه نماید مشروعیت ندارد. ژان ژاک روسو به همین طرز تفکر چنین فرمود که: تباهی بشر آنگاه آغاز شد که کسانی برگوشه ای از (زمین خدا) ایستادند و آن را (زمین خود) نامیدند.

افلاطون فیلسوف یونان باستان بشکلی دیگر همین نظریه را مطرح کرد و فرموده: برای جلوگیری از تباهی سیاسی، می بایست طبقه حاکم یعنی شاهان و پاسداران مالک چیزی نباشند و جامعه هرآنچه را که نیاز آنان است به آنان ارزانی دارد تا حاکمان بی دغدغه مال، دولت کریمه ای بنا نهند تا با تدبیر خود جامعه فاضله بسازند و همه آدمیان را خوشبخت سازند. دانشمندی توانای دیگر دولت عبارت دیگر دولت محصول آشتی ناپذیر تضاد های طبقاتی است. علمای علم حقوق بصورت عموم دولت را متشکل از جمعیت، سرزمین و حکومت میدانند. لذا بهتر است مکثی بر مفهوم حکومت و حاکمیت نمائیم.

**دولت متشکل** از سه اورگان (قوه مقننه و قوه قضائیه و قوه مجریه) میباشد. و دولت تضمین کننده حاکمیت قانون میباشد و هیچ قدرت دیگری برتر از قانون وجود ندارد. حکومت قانون مکلف به رعایت حقوق افراد جامعه بوده، با تطبیق قانون در جامعه حقوق افراد تضمین میگردد. فیلسوف دیگر دولت را به دستگاه تامین کننده آزادی، امنیت، عدالت و رفاه عامه میدانند.

### **بانظرداشت مطالب فوق آیا رژیم مورد بحث ما دارای اوصاف فوق بود یا نه ؟**

اساس رژیم مجاهدین نشان میدهد که بیشتر بر منافع رهبران مذهبی تکیه داشت که از قرنها به این طرف بخاطر منافع شخصی در خدمت کشورهای مغرض، آگاهانه و یا غیر آگاهانه قرار گرفته اند، دین و مذهب را وسیله تحقق آرزوها و امیال شخصی خویش و دشمنان دین و وطن قرار دادند و میدهند. در طول سالهای متمادی با استفاده از اعتقاد پاک و راسخ مردم در نیل به اهداف شخصی و منافع کشورهای ذینفع موفق بوده و میباشند. مردم متدین ما با قلبهای مملو از خلوص و اعتقاد به خداوند یکتا و برحق بودن پیامبر اسلام و پیروی از کلام الهی به وعظ و نصیحت امامان دین، روحانیون مذهبی، ملاها، اخندا وحتا چلیها که فهم و درک لازم از معنی و مفهوم (قرآن کریم) ندارند گوش داده، در جهت پیروی و رعایت تبلیغات غرض آلود آنان جان و مال خویش را فدای اعتقادات پاک دینی و مذهبی نموده و مینمایند.

ما نمیتوانیم که این اتهام را به تمام روحانیون پاک نهاد دینی و مذهبی نسبت بدهیم. در کشور ما هزاران روحانیون پاک نهاد و صادق بود و فعلاً هم میباشند که باتوضیح و تشریح واقعی دین و مذهب، قلوب مردم مسلمان ما را جلب و جذب نموده در خدمت مخلوق خداوند بدون مدعا و مقاصد شخصی قرار داشتند و دارند.

ولی تاریخ کشور ما نشان داده و میدهد که حتا کفار و ملحدین در لباس عالم دین ظهور نموده، سالها مردم را فریب داده با امامت در مساجد و سایر اماکن دینی، هزاران نمازگذار در عقب شان عبادت ذات الهی را انجام داده و با وعظ های غرض آلود، مردم را فریب داده و میدهند. آنان بودند که حتا آب شستوشوی بدن خویش را بنام تبرک و شفا بخش برای هموطنان مریض مسلمانان ساده و پاکدل

نوشانیده و در مقابل از مردم غریب مال و یا پول بدست آوردند. با چنین اعمال فریبنده مانند جوکها خون مردم را چوشیدند. این تجاران دین (رهبران تنظیمهای جهادی) باغصب قدرت و استفاده ستوا حاکمیت دولت، بیشتر مصروف تحقق اهداف غیر اسلامی و غیر انسانی شان در تبابی با منافع کشور استخدام کننده شان شدند و سلسله آنرا ادامه دادند. بهتر خواهد بود تا بدانیم القابی را که به خود نسبت میدهند آیا شایستگی آنرا دارند یا نه؟ با توضیح کلمات جهاد و مجاهد شما خود قضاوت نمائید که آیا اکثر چنین اشخاص که ادعای مجاهد بودن و جهاد را نمودند و مینمایند در دوران به اصطلاح جهاد کدام نوع خدمت ب مردم و وطن خود انجام دادند و با تصاحب قدرت و حاکمیت دولتی چه گامهای در جهت بهبود منافع و رعایت حقوق مردم و ایجاد حکومت نظم و قانون برداشتند، در توضیح حفظ ارزشهای دینی و پخش واقعی دین و بهبود زندگی مردم مسلمان کشور، کدام فعالیتها مثبت را انجام دادند. **جهاد یک اصطلاح مقدس در دین اسلام میباشد** و از ریشه جهد به معنی کوشش مبارزه و فعالیت است این کوشش و مبارزه میتواند در عرصه های گوناگون صورت گیرد: از نظر اسلام جهاد **دو نوع میباشد:**

**جهاد اکبر:** به معنی کوشش و مبارزه با امیال درونی را گویند.

**جهاد اصغر:** مبارزه در راه دفاع و گسترش دین اسلام گفته میشود. در اسلام بهترین جهاد، جهاد با نفس است که در حدیث پیامبر اکرم (ص) جهاد اکبر خوانده شده، یعنی برتر از جهاد با دشمن است، اصولاً تا جهاد اکبر بمعنی واقعی آن در انسان پیاده نشود در جهاد با دشمن پیروز نخواهد شد. **رسول الله (ص) چنین فرموده:** مجاهد کسی است که برای خدا، با نفس خود مبارزه کند. در جای دیگر آمده است (مردم عادی یکبار میروند، ولی نیکوکاران بر اثر مبارزه با نفس و مخالفت با خواهشات درونی شان و ستیز با شیطانی که در رگهای شان جاری است روز هفتاد بار میروند). آن دشمن در درون انسان، نفس انسان است. شما هموطنان عزیز! اکثر آشنایان کافی از اخلاق، کردار، دینداری و شیوه برخورد افرادی که در کشور ما خود را مجاهد مینامند و با مردم (پیر و طفل، دختر و پسر جوان، ناموس، مال و دارائیهای مردم و بیت المال) چه نمودند مطلع هستید که در قرا، قصبات، شهرها و ولایات کشور داستانهای غم انگیز بر اثر مظالم و جنایات شان ثبت تاریخ کشور نموده و مینمایند. شما خود قضاوت نمائید که آیا اعمال شان مبارزه علیه امیال درونی و یا برای امیال درونی شان بود؟ آیا واقعاً خصوصیات جهاد در اکثر مجاهدین افغانی دیده شده و میشود؟ اما افسوس که اکثر این مجاهدین نماها آله دست اجانب، بی دینان و دشمنان کشور ما قرار گرفتند. قرار اظهارات مشاور امنیت ملی جیمی کارتر ضمنی ملاقاتیکه با ضیا الحق در پاکستان داشت و در اخبار فرانترپوست مورخ ۲۲ اکتوبر سال (۱۹۹۵) میلادی نشر شد، امریکا در ۱۰ سال جنگ علیه شوروی بیشتر از (سه بلیون دالر) به مجاهدین افغان پرداخت. بر علاوه این پول کشورهای چون انگلیس، اسرائیل، عربستان سعودی، کویت، چین و... تقریباً معادل همین پول را پرداختند. فیصدی توضیح سلاح، کمکهای مالی و پولی که از طریق استخبارات پاکستان به تنظیمها صورت میگرفت قرار توضیحاتیکه در آثار (تلک خرس، امریکا در افغانستان، اردو و سیاست و اثری دیگری که توسط جارج آرنی ژورنالیست انگلیسی و سایر نویسندگان تحریر شده، ازین قرار بود) حکمتیار ۱۸ تا ۲۰ فیصد، برهان الدین ربانی ۱۸ تا ۱۹ فیصد، سیاف ۱۷ تا ۱۸ فیصد خالص در حدود ۱۳ فیصد، محمد نبی در حدود ۱۲ فیصد، گیلانی در حدود ۱۰ فیصد، مجددی در ۴ فیصد و متباقی به گروههای کوچک دیگر)، این تجاران دین و مذهب بودند که در مقابل مبالغ هنگفت فوق تحت نام یک اسلام تنظیم های هفتگانه، هشتگانه و شاخه های کوچک را ایجاد نمودند. در حالیکه خداوند واحد و یگانه است و یک کتاب آسمانی "قرآن کریم" جهت رهنمائی بشریت بر پیامبرما حضرت محمد "ص" نازل شده. تاریخ اسلام نشان میدهد که بعضی علمای مذهبی به اساس فهم و درک متفاوت شان از قرآن کریم برداشتهای

مختلف نمودند و بخاطر منافع شخصی، قومی، منطوقوی و سیاسی از یک اسلام بیش از ۱۷۰ مذهب و شاخه ها بوجود آوردند که در نتیجه اسلام را پارچه پارچه نمودند و در سالهای اخیر به آن قناعت نکرده به بد نامی اسلام (اسلام ستیزی) از طریق انفجارات، بمگذاریها و کشتار انسانان در تمام نقاط جهان اقدام نموده و مینمایند.

این مجاهدین نماها بعد از ۲۶ سرطان سال (۱۳۵۲) هجری شمسی که رژیم شاهی در کشور سقوط و اولین رژیم جمهوری اعلام گردید، از جمله متضررین نظام جمهوری یکی هم مسلمانان افراطی بودند که تحقق اهداف خویش را در مراحل اول نظام جمهوری محدود دیده به دولت پاکستان بخصوص اداره استخبارات آنکشور که عامی شان بود پناه بردند و در همکاری و رهنمائی دشمن دیرینه کشور ماعلیه رژیم جمهوری محمد داود اقدام به اغتشاش نمودند، بغاوتها و تخریبات را در بعضی مناطق افغانستان براه انداختند مگر ناکام گردیده به پناگاههای اصلی خویش پاکستان برگشته و تحت چتر و تریبه مجدد استخبارات آنکشور قرار گرفتند.

حادثه ۷ ثور سال (۱۳۵۷) هجری شمسی گرچه تغییر نظام، که هدف آن رفاه و بهبود زندگی مردم زحمتکش در کشور بود. اما مسئولین حکومت آنوقت با تعقیب سیاستهای چپ افراطی که اکثراً مملو از قانون شکنی، کشتار، سلب حقوق و آزادیهای مردم بود، شرایط زندگی را برای یکتعداد اتباع کشور محدود ساخته و دارائیهای بعضی ملاکین و ثروتمندان را ضبط، مصادره و جز دارائی دولت نمودند. و سایر قانون شکنیها، تعداد قابل ملاحظه مردم که شامل دهقانان زحمتکش، ملاکان، دانشمندان و... بودند، در برابر مظالم حکومت وقت قیام نمودند و با دفاع از حقوق خویش به مبارزه و حتا میتوان گفت که آنان جهاد نمودند. در بخش هفتم قانون و قانونیت بین سالهای ۱۳۵۷ الی جدی ۱۳۵۸، در زمینه رعایت و عدم رعایت قانون با مثالهای مشخص، معلومات لازم ارائه گردیده است.

بهمین شکل در بخش هشتم قانون و قانونیت از جدی ۱۳۵۸ الی ثور ۱۳۷۱ از تحقق قانون و قانونیت در آن دوره و قانون شکنی با مثالهای مشخص توضیحات ارائه گردیده است. غصب قدرت و ظهور رژیم مجاهدین که مولود مداخلات مستقیم دول همسایه و سایر کشور های ذینفع در قضیه افغانستان، میانجیگری غیر مسئولانه و غرض آلود ملل متحد که توسط کارمندان آن اداره در موضوع به اصطلاح صلح افغانستان انجام دادند و اختلافات درونی حزب (حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بعداً به حزب وطن مسما گردید) نقش اساسی داشت. آغاز گردید.

هموطنان عزیز ما که این همه تخلفات و جنایات را به چشم خود دیدند و با گوشت و پوست خویش احساس نمودند. باید بدانند که چرا رهبران تنظیمها، قوماندانان و صفوف به اصطلاح مجاهدین مرتکب چنین اعمال شدند و میشوند. آنان در طول تقریباً ۱۳ سال که تحت نام جهاد مصرف جنگها بین خود و جنگ، تخریب، چور و چپاول، تجاوزها به ... و بمقابل حکومت آنوقت بودند، از تریبه و تحصیل، علم و تمدن، شیوه حکومت داری، مناسبات و دوستی با اهالی منطقه، شهروانیت فاصله داشتند و بصورت عموم در کوه ها، تپه ها سموچها و سایر مناطق مصروف تحقق اهداف مراجع رهبری کننده و اهداف شخصی خود بودند. تعداد هموطنان ما دیگر ما که در خارج کشور مهاجر شده بودند، تحت فشار زندگی مهاجرت و تبلیغات کشورهای ذیدخل در قضیه افغانستان قرار گرفته، مملو از عقده، بد بینی و حس انتقامجویی به مقابل کارمندان حزبی و غیر حزبی حکومت قبلی، بعد از ثور ۱۳۷۱ داخل کشور گردیدند و طبق همان روحیه فرا گرفته از ۱۳ سال جنگ در مرکز و ولایات کشور بصورت غیر مترقبه حکومت داری را بعهده گرفتند. عدم فهم و درک از قانون و نبود حاکمیت قانون در جامعه با موجودیت چنان کلتور دوره به اصطلاح جهاد، بر علاوه استفاده ستوا از قدرت دولتی، عامل بروز جنایات بیشتر و فراموش ناشدنی گردیدند آنان از یکطرف با روحیه نظم و قانون تربیه نشده بودند و از جانب دیگر از قانون و نظام یا حکومت قانون مطلع نبودند. گرچه با تصاحب قدرت در پرنسپ عفو عمومی

رااعلان کردند وگفتند که منبعد کشورطبق احکام شریعت اسلامی رهبری میگردد اما افسوس که جنایات شان بیشترگردید ودوره حکومت شان ثابت نمودند که نه به اسلام وانسانیت معتقد اند ونه بوطن ومردم خویش علاقه دارند، تنها اسلام را روکش منافع شخصی واهداف باداران شان قرارداده ومیدهند.

اینک طورنمونه شمئه ازهزاران جنایات راکه درقرا،قصبات،شهروولایات کشورمرتکب شدند بیان میدارم : حکومت مجاهدین با حمله ازجانب شمال وجنوب کشوربطرف شهر کابل با روحیه چورو چپاول، قتل وکشتار،ترورشخصیتها وغصب دارائیهای خصوصی وعامه بشمول کنجینه های ملی وفرهنگی وطنما موزیم ها و...آغازشد.چنانچه ریئس موزیم های افغانستان ضمن مصاحبه بتاریخ چهارم ماه اگست سال (۲۰۱۱) میلادی گفت که درجنگها مجاهدین تقریباً ۷۰ فیصد اموال موزیمها بغارت برده شد.چنانچه جریان چوروچپاول دارائیهای عامه ازطریق اطلاعات جمعی وتلویزیونها درسراسرجهان پخش وبه نمایش گذاشته شد.اکثرچپاول گران ازپاکستان داخل کشوریه خصوص شهرکابل شدند غارت وچپاول شامل اموال و دارائیهای دولتی (موزیمها،عراده جات دولتی وسرویسهای شهری با نمبرپلیت ترافیک افغانی، بشمول آمبولانسها وموتورهای اطفائیه،موبل وفرنیچر ، فرشها و...) درشهرهای پاکستان بخصوص درپشاور،اسلام آباد، کویته وسایرشهرها انتقال گردید شاهدات عینی حکایت مینمایند که برعلاوه موبل وفرنیچر، فرشها واکثرسامان آلات ادارات دولتی،ماشین آلات فابریکاتیکه درحال تکمیل بودند حتی سائرسامان آلات برقی راکه زیرپلستر دیوارها نصب شده بود،جدا نموده بکشورتربیه شده شان که هدف عمده آنان ازین بردن اقتصاد کشورما بود انتقال نمودند وصدهاجنایت دیگر.

آیا این اعمال جهاد گفته میشود؟ و آیا میتوانیم ازقانون وقانونیت دراین دوره نامبرد؟ هرگاه رهبران تنظیمها واقعاً بخاطر دین اسلام وکشورشان جهاد نموده بودند قبل ازتصرف شهرها وبخصوص شهرکابل طبق احکام الهی واحادیث پیامبراسلام بایددرجهت حفظ جان وامنیت مردم،جلوگیری ازاعمال صفوف تربیه نموده شان درطول چهارده سال جهاد با شناخت ازاخلاق وکردارانان ،تدابیر لازم درجهت ایجاد نظم وقانون اتخاذ مینمودند. اما افسوس که بصورت عموم خودرهبران درقتل وکشتار،تخریب ،چوروچپاول بخاطر اشغال چوکی های دولتی ومناطق بیشترویهترنقش اساسی داشتند.فلمهای مستند که رهبران عقب ماشیندارها ومواضع فیرراکتها نشسته اند وبالای همسنگران قبلی خویش فیرمینمودند و هزاران هموطنما شهید گردید ثابت کننده ادعایم میباشد.علاوتاً سازمان عفویین المللی در سال ۱۹۹۵ میلادی تحقیقاتی تحت عنوان ( افغانستان مسئولیت بخاطرفاجعه حقوق بشر) درهفت بخش شامل ۷۲ صفحه بعمل آورده که بخشهای مذکور عبارت اند از :

۱. پس منظرسیاسی

۲. مسئولیت جهانی

۳. قتلهای عمدی وخودسرانه

۴. آدم ربائی ها،باز داشتهای پنهانی وگروگان گیریها

۵. شکنجه وبدرفتاری

۶. زندانها وشرايط زندان

۷. نتیجه گیری ها وسفارشات

طورنمونه دربخش پنجم صفحه (۵۲) ازشکنجه وبدرفتاری ،تجاوزجنسی ولت وکوب ، شکنجه درتوقیف،اعدامها وقطع اعضای بدن بصورت مستند با فوتو وتاریخ وقوع حادثه (مارچ سال ۱۹۹۳ میلادی) توضیحات نسبتاً مفصل ارائه داشته اند. دربخش شکنجه وبد رفتاری آنان یک نمونه برای



شما نقل قول مینمایم که : (درسالهای اخیر گروههای مسلح شیوه های نوین شکنجه را انکشاف داده اند . مانند اینکه گویا شیوه های استعمال برای سالها، بقدر کافی بد نبوده اند. یکی از شیوه های مخوف، مجبور ساختن زندانیان به خوردن چیزی بوده است که گفته اند گوشت انسان است) یک راننده تکسی که سواری زنانه داشت در اوایل ۱۹۹۳ توسط افراد مسلح توقف داده شد. او به عفویین المللی چنین اظهار داشت: « ما در ناحیه کوه سنکی کابل که تحت کنترل حزب وحدت بود توقف داده شدیم، آنان ما را در خانه ای که بحیث پایگاه خویش استفاده میکردند، بردند. ایشان کاغذی را بدست من دادند تا بنویسم که موتر خود را به آنان فروخته ام. من انکار کردم و آنان تهدید کردند و مرا مجبور ساخت تا گوشت انسان را بخورم، سپس آنان مرا مورد لت و کوب قرار دادند و من مجبور کاغذ را امضا کردم ولی ما را رها نکردند. بعد یک مقدار گوشت پخته آوردند ناچار یک توتۀ آنرا خوردم و بعداً مریض شدم. آنان بعداً کاغذ دیگر بمن دادند که بنویسم آن زن همراه، خواهر من بود، و اینکه من وی را در بدل یک مقدار پول به ایشان فروخته ام . گفتم که من اینکار را نمیکنم حتی اگر کشته شوم . آنان مرا لت و کوب کردند تا اینکه قوماندان ایشان امر توقف داد. ایشان مرا گفتند که بروید، هنگامیکه از زینه ها پائین میشدم از عقب آوازی شنیدم به عقب خود نگاه کرده، آن زن را ندیدم . اما باز تهدید کردند که بروم در غیر آن کشته خواهم شد.» .

در صفحه ۵۵ گزارش آمده که : ( در جنگهای اخیر، تجاوز جنسی و شکنجه های دیگری به پیمانۀ وسیعتر بکار برده شده است . در ماه مارچ ۱۹۹۵ نیروهای شورای نظار بر صدها خانه مردم ملکی در کارته سه، ناحیه جنوب غرب کابل، هجوم برده یکتعداد اعضای خانواده ها را گشتند و یا مورد لت و کوب قرار دادند ، اموال شان را به غارت بردند و بر زنان تجاوز کردند، با یک فامیل در شهر کابل خبرنگاران خارجی مصاحبه کرد، اظهار داشتند که: « سپاهیان رئیس جمهور ربانی گفته اند که آنان میخواهند خون هزاره ها را بنوشند » کارمندان صبحی در منطقه تائید نمودند که در آنوقت اقلاً شش واقعه تجاوز به آنان مراجعه نمودند. اما اکثراً به اساس ملحوظات ننگ و غیرت و رسوائی در چنین حوادث به کارمندان صبحی و بخصوص در آنوقت مراجعه نمی کردند در حالیکه حوادث بیشتر از آن بود.

در بخش سوم که پرده از کشتارهای عمدی و مستبدانه این مجاهدین نماها برداشته در صفحه ۲۷ چنین تحریر داشته ( ... روزیکه با روزهای دیگر سال (۱۹۹۳) میلادی تفاوت نداشت، در ازدحام مردمیکه منتظر سرویس بودند در یک لحظه راکتها فروریخت و طی چند ثانیه بیش از هشتاد تن هلاک شدند، سه تن از شاهدان درباره بیتفاوتی مسئولین که وظیفه امنیت را بدوش داشتند بیان نمودند که « بلا فاصله بعد از وقوع حادثه نگهبانان مسلح مجاهدین که منطقه را تحت اداره خویش داشتند وارد صحنه شده، اجساد کشته شده گان را مورد جستجو قرار دادند، پول و اشیای گرانبهای ایشان را با خود بردند.» ) این **چه نوع جهاد گفته میشود؟**

بهمین شکل شوهر یک خانم در حادثه انفجاری کشته شد و دارای سه طفل بین سنین دو الی نه ساله بود. روزی آن خانم جهت خریداری نان برای اطفال طرف بازار رفت در طول راه توسط دو تن مجاهد نما دستگیر و به پایگاه خود بردند در آنجا ۲۲ مجاهد دیگر زنده گی میکرد در طول سه شبانه روز به آن مادر توسط آنان تجاوز صورت گرفت، تا آنکه زن از حال رفت و رهایش کردند و به حالت فجیع به خانه برگشت، وقتیکه داخل خانه شد مشاهده نمود که سه طفلش از گرسنگی و سردی هوا مرده اند. (آیا این عمل شان جهاد بود ؟) و انواع جنایات مختلف و متعدد که در تاریخ بشریت نمونه های آن ثبت نگردیده که توسط گروه های درگیر صورت گرفته که شامل قتل یک فرد در مقابل اعضای فامیلش، قتل طفل با شکستادن گردنش در مقابل فامیل، تجاوز جنسی زنان و دختران در مقابل اعضای فامیلش و... که توسط اکثر گروهها در مرکز و ولایات صورت گرفته .

چند نمونه دیگر از اعمال خلاف قانون سطوح رهبری قوماندانان جهادی رژیم یاد آور شد: .  
چور و چپاول اموال و تجاوز به ناموس یکتعداد هموطنان شریف اهل هنود کشور ما به خصوص در منطقه کارته پروان و گردنه باغ بالا شهر کابل.

. در مرحله اولی حکومت مجاهدین که جناب آقای مجددی رئیس دولت بود، جنگ در شهر کابل بر سریدست آوردن غنایم و ساحه وسیعتر حکمروائی هرتنظیم کوچه به کوچه شهر کابل شروع شد. اختلافات شدید رهبران تنظیمها بر سر قدرت منجر به جنگهای خیلی شدید گردید. و هرتنظیم جهت تصاحب یک منطقه شهر کابل و وزارت مورد نظر اقدام بجنگهای چرنیکی کردند که از جنگهای نقاط مرکزی شهر مانند چهاراهی صدارت، مکرویانها، افشار، خوشحال مینه، میرویس میدان، قلعه شاده، دشت برچی، سیدنور محمد شاه مینه و غیره میتوان نامبرد که ذریعه سلاحهای ثقیل و خفیف از بلندیهای شهر کابل این مجاهدین هزاران ساکنین شهر کابل راشهید و صدها هزار دیگر معیوب و مهاجر در شهرها و کشورهای همسایه گردیدند .

**آیا با موجودیت چنین وضعیت ویا حالت تجاوز به حقوق اتباع کشور و کشتار را میتوان از موجودیت نظام یا حکومت یاد آور شد؟**

. بعد از دوره کوتاه مدت، حکومت برهان الدین ربانی جانشین حکومت مجددی گردید و گلبدین حکمتیار که بحیث صدراعظم تعیین شده بود باید ایفای وظیفه میکرد اما آقای گلبدین حاضر نگردید تا جهت خدمت بمردم مسلمان و بلاکشیده افغانستان که به نظر جناب شان در طول چهار رده سال تحت ظلم و ستم کمونستها و روسها قرار داشتند، به کابل پایتخت کشور آمده و با سایر برادران جهادی خود حکومت اید حال اسلامی را که هدف آن آبادی، پیشرفت کشور و بهبود زندگی مردم باشد و از جمله وظایف انسانی و اسلامی شان میباشد انجام دهد. برعکس در جنوب شهر کابل، بخاطر قتل و کشتار مردم رنج دیده کشور سنگر گرفت و باشلیک هزاران راکت (اگر خبرنگاران، نویسندگان و ساکنین شهر کابل در رقم راکتهای پرتاب شده غلو نه نموده باشند) در حدود پنجهزار راکت را بالای شهر کابل فرو ریخت با تذکر اینکه چنین رقم بلند فیر سلاح ثقیل در مدت زمان کوتاه، کمتر ثبت تاریخ گردیده و حتا یهودان علیه مردم مسلمان فلسطین نیز چنین جنایت را مرتکب نگردیده اند. به اساس ارقام بدست آمده که توسط اورگانهای ملل متحد تأیید شده است در این حوادث بیش از شصت هزار همشهریان کابل شهید و تعداد بیشتر از این رقم معیوب و معلول گردیدند.

**این اعمال آقای گلبدین و پیروانش را از نگاه انسانیت، اسلامیت، حقوق بشر و سایر قوانین چه می نامید؟ آیا مجاهد واقعی که شمه ئی از انسانیت و اسلامیت را آموخته باشد اقدام به چنین عمل غیر انسانی و غیر اسلامی مینماید؟**

این عملکرد ها ثابت میسازد که نه تنها که حکومت و قانون وجود نداشت بلکه در دوره بربریت نیز هیچ انسانی با چنین قساوت قلب مرتکب چنین جنایات نگردیده.

. نمونه دیگر از سوءاستفاده: یکتعداد تجاران ملی کشور با قبول خطر جانی تصمیم گرفتند که جهت قطع جنگ و خونریزی، آتش بست بین رهبران تنظیمها داخل اقدام شوند، همان بود که چندین تاجر ملی حامل پیام جناب مجددی برای گلبدین حکمتیار عازم چهار آسیاب کابل گردیدند. تا حدودی صحبت و ملاقاتهای نزدیک شان نتیجه مثبت داد . تجار ملی بانظر داشت وضعیت جنگی شهر کابل خواستند تا یکمقدار پول را به حکومت کمک نمایند. یکصد و بیست دوملیون افغانی جمع و ذریعه چک بانک به دفتر جناب مجددی تسلیم دادند ساعتی بعد از تسلیمی چک، سکرتر جناب مجددی به تاجر یکه از حساب بانکی اش آن چک نوشته شده بود تیلفون نمود و گفت که چک کمی را بنام جناب مجددی صاحب تحریر دارید و چنین هم شد.

. مثال دیگر از چور و غصب دارای عامه: به اساس معلومات یکی از روسای بانکهای آن رژیم، چون دولت پشتوانه دالری و اعتبار در سطح بین المللی نسبت بی امنیتی، چور و چپاول نداشت، چنین موافقه بعمل آمده بود که ماهانه دالرهای ذخیره شده بانک مرکزی به بانک مربوطه دوی انتقال شود، درین مرتبه مبلغ پانزده میلیون و هفتصد هزار دالر باید انتقال میشد، نسبت اینکه میدان هوایی شهر کابل تحت ضربات راکتی صدراعظم رژیم جناب حکمتیار قرار داشت، طیارات باید از میدان هوایی بگرام بطرف دوی پرواز میکرد. اما نسبت بعضی ملحوظات تا ساعت چهار بجبهه عصر اجازه پرواز داده نشد. مسئول هیات که همان رئیس بانک بود با مسئولین میدان هوایی بگرام به تماس شدند که باید پرواز بطرف دبی صورت گیرد آنان در جواب گفتند که آمر صاحب (جناب احمد شاه مسعود) هدایت داده که پرواز بعداً یعنی فردا صورت گیرد با اساس هدایت آمر صاحب، « نسبت ناامنی راه بگرام. کابل باید پول را به مسئولین میدان هوایی تسلیم دهند » مسئول هیات بانظر داشت حفظ جان خود و... مجبور شد تا پول را به موظفین میدان هوایی بگرام تسلیم نمایند. بعد از تسلیمی پول طبق هدایت مسئولین، مجبور به ترک میدان هوایی بگرام گردیدند. فردای آن روز رئیس هیات موضوع را بمقام ریاست دولت (جناب برهان الدین ربانی) اطلاع دادند، لحظه ئی بعد جواب حاصل نمود که پول مذکور برای خرید البسه سربازان بوزارت دفاع طبق هدایت وزیر دفاع گرفته شد، بدون کدام سند قانونی. این نمونه دیگر از سوء استفاده رهبران جهادی بود که بالوسيله قدرت دولتی صورت میگرفت.

. در سال اول ریاست دولت آقای ربانی، در روز عید یکی از قوماندانان جهادی بعد از ختم نماز عید و عید مبارکی به آقای ربانی عرض حال و مشکلات اقتصادی نمود در همان لحظه نزد جناب رئیس دولت کاغذ سفید وجود نداشت، درزر ورق سکرت جناب رئیس دولت آقای ربانی چنین امر به ریاست دافغانستان بانک داده بود: ( برای برادر مجاهد .... مبلغ یک میلیون و پنجصد هزار افغانی داده شود . محل امضا ).

صدها سئو استفاده دیگر از دارائی های عامه (بیت المال) به این شکل و اشکال دیگر که به اصطلاح عامیانه از کیسه خلیفه میبخشیدند.

در صفحه ۳۰ گذارش عفویین المللی آمده که: افراد مسلح جناحهای جنگ مجاهدین هزاران غیر نظامی را بطور عمدی و مستبدانه از فاصله های نزدیک به قتل رسانده اند. انگیزه ها برای چنین کشتارها متعدد و مختلف است که شامل مخاصمت های قومی، مذهبی، نفرت از اشخاص تعلیم یافته و آزاد اندیش ویا کارمندان دولت قبلی بود. چون دولت در عمل وجود نداشت و حمایت از مردم صورت نمیگرفت و عملاً دولت در ترورها دخیل بود این جنایات در مرکز و ولایات جریان داشت که میتوان از ترور کاردهای رژیم قبلی که رهبران تنظیمها در آن نقش داشتند یا آورشد: . ترور جنرال عبدالحق علومی . ترور عبدالکریم شادان رئیس ستره محکمه . ترور (گردن بریدن خانم و اطفال دکتور صالح محمد زیری) در اپارتمان شان واقع بلاک های مکرویان کابل و سپس اپارتمان شان توسط یکی از وزیران رژیم غصب گردید. . ترور عبدالنڈ کارمند دولت قبلی با فامیلش در مکرویان کابل . . قتل کارمند عالی رتبه وزارت خارجه در محضر عام به داخل وزارت خارجه، ابتدا ذریعه لگد از زینه لول داده شد و بعد در دهلیز وزارت گلویزش را ذریعه برچه کلشیکوف بریدند . . ترور جمال الدین عمر سنا تور در منطقه خیرخانه حینکه طرف مسجد جهت ادای نماز میرفت و صدها ترور در مرکز و ولایات کشور، با آنکه عاملین ترورها مشخص بود هرگز اقدام به بررسی قضایا و دستگیری فاعلین آن اقدام صورت نگرفت چراکه اکثرأ به اساس هدایت ویا اشاره رهبران و قوماندانان جهادی صورت میگرفت. صدها مثالها در زمینه وجود دارد.

دگروال محمد یوسف مسئول بخش فعالیتها و عملیاتیهای (آی اس آی) در امور افغانستان در کتاپی بنام تلک خرس بصورت مفصل و مستند، مداخلات پاکستان، امریکا، دول غرب، کشورهای عربی و همسایه

های وطن ما، حتی کمک دولت اسرائیل که دشمن جهان اسلام میباشد را به مجاهدین توضیح نموده و هم از ایجاد کمپهای نظامی را در خاک چین معلومات مفصل ارائه نموده و ماهیت اصلی رهبران تنظیمها و اهداف شوم دولت پاکستان را در قبال افغانستان برملا نموده است. که به اساس هدایات ای. اس. آی همیشه باید در افغانستان به خصوص در شهر کابل جنگ شعله ور باشد. و....).

**این شعله ورنگهداشتن جنگ در کابل توسط کی صورت میگرفت و چه حوادث در قبال داشت، معلوم داراست که توسط مجاهدین جنگها شعله ور بود و عواقب آن قتل، کشتار هموطنانما و ویرانی کشور!**

ارائه مطلب فوق بیانگر ماهیت، اهداف، ساختار، خصلت کادرها و شیوه عملکرد آن نظام را میباشد، که افغانستان را تخریب و به ویرانه تبدیل نمود و سلسله آن کشتارها، جنایات با اشکال و شیوه های مختلف ادامه پیدا نمود. قانون شکنی و فراموش نمودن قانون و قانونیت قوس صعودی را پیمود و قانون جنگل در کشور محکم فرما گردید. همچنان جنایات نابخشودنی را که رهبران تنظیمها مرتکب شده اند به هیچ وجه قابل بخشش نیست، آنان بودند که به ابتکار قوماندانان خویش انواع شکنجه و توهین را ثبت تاریخ بشریت نمودند (مانند رقص مرده، پختن شوریای سینه زنان کشورما، زایاندن جبری زنان در ملای عام جهت تماشا و خوش گذرانی، کوبیدن میخ بر کله انسان، خسی کردن مردان، جنایات و کشتار گروهی و دسته جمعی، تجاوز به مال و ناموس مردم در تمام ولایات کشور، در کابل مانند مناطق افشار، دشت برچی، کارته سه، کارته نو و.. بهمین شکل در ولایات کشور رازی نام قوم، لسان، مذهب و... شروع و ادامه دادند).

همچنان غصب داراییهای عامه و خصوصی توسط قوماندانان و زورمندان صورت گرفته که در رسانه ها و جراید مختلف از جمله شبکه اطلاع رسانی افغانستان، گفتمان، آریانا نیوز و سایر منابع نشر گردیده که زمینها بیش از چهار میلیون جریب زمین در مرکز و ولایات مختلف کشور میباشد.

اسناد و شواهد بیشتر در زمینه جنایات سایر رهبران و قوماندانان در هر شهر و قریه وجود دارد. با تذکراینکه عواقب و پیامدهای بعدی این فجایع باید متذکر شد که تا حال تعداد قابل ملاحظه همان کادرها در دستگاه فعلی دولت مصروف میباشد که در بخشهای دهم و یازدهم آنرا مورد بررسی قرار خواهیم داد.